



خلاصه کتاب اندیشه یک

دانشگاه علم و صنعت ایران

چکیده فصل ها :

بخش اول: خداشناسی

درس اول: پرسش‌های بنیادین

- تصورات نادرست از خدا: خدا یک «احساس شخصی» یا «انرژی» نیست. احساس امری سلیقه‌ای و تلقینی است و انرژی فاقد شعور است، در حالی که خدا مبدأ شعور و هستی است.
- لزوم تحقیق: در اصول اعتقادات (مانند وجود خدا) تقلید جایز نیست و باید با تفکر و تحقیق به نتیجه رسید. این تحقیق هم حکم عقل است و هم دستور شرع.
- آزادی در انتخاب دین:
 - انتخاب دین آزاد است و اجباری در آن نیست («لا اکراه فی الدین»).
 - حکم ارتداد: این حکم مربوط به تغییر عقیده شخصی نیست، بلکه مربوط به «تبلیغ علیه دین» و برهم زدن آرامش روانی جامعه اسلامی است.
- گفتگوی دینی: اسلام ضمن محدود کردن تبلیغ مخرب، به گفتگوی علمی و محترمانه («جادلهم بالتی هی احسن») تشویق می‌کند.

درس دوم و سوم: اندیشه‌های انکار خدا

- نظریه هاو کینگ (نظریه بدون مرز): او معتقد بود اگر جهان آغاز زمانی نداشته باشد، نیازی به آغازگر (خدا) نیست.
 - نقد: نیاز جهان به خدا صرفاً در «آغاز» نیست، بلکه جهان در «هستی‌بخشی» دائمی و در هر لحظه به خدا نیاز دارد.
- نظریه تصادف و تکامل مادی (کراوس و داو کینز): ادعا می‌کنند جهان از «هیچ» (خلاء کوانتومی) یا با تکامل تصادفی شکل گرفته است.
 - نقد: احتمالات ریاضی نشان می‌دهد شکل‌گیری تصادفی حیات (حتی یک اتم یا پروتئین خاص) محال است. هر سیستم منظمی نیازمند ناظر و طراح هوشمند است.

درس چهارم و پنجم: اثبات خدا (برهان نظم و امکان)

- برهان نظم (محاسبه احتمالات): طبق ریاضیات، احتمال شکل‌گیری تصادفی یک سیستم پیچیده و منظم (مانند بدن انسان با تریلیون‌ها سلول) نزدیک به صفر است. عقل حکم می‌کند جهان ناظری هوشمند دارد.
- برهان امکان و وجوب (فقر و غنا):
 - واجب‌الوجود: موجودی که وجودش ذاتی است، عدم در او راه ندارد و بی‌نیاز است (خدا).
 - ممکن‌الوجود: موجودی که ذاتاً فقیر است، نسبت به بود و نبود مساوی است و برای موجود شدن نیاز به علت دارد (تمام جهان هستی).
 - استدلال: جهان ممکن‌الوجود است و برای هستی یافتن نیازمند علتی است که خودش ممکن نباشد. پس سلسله علل باید به یک واجب‌الوجود ختم شود.
- محال بودن دور و تسلسل:
 - دور: توقف وجود «الف» بر «ب» و توقف وجود «ب» بر «الف» (نتیجه: هیچ‌کدام موجود نمی‌شوند).
 - تسلسل: زنجیره‌ی بی‌پایان علت و معلول بدون رسیدن به نقطه آغاز (عقلاً محال است).

درس ششم: دین و نظریات علمی

- آغاز جهان: قرآن به آفرینش تدریجی (در شش روز/دوره) اشاره دارد که با نظریات علمی مانند بیگ‌بنگ و انبساط جهان منافاتی ندارد.
- تکامل (فرگشت): قرآن موضع صریحی له یا علیه «ثبات انواع» یا «تکامل» نگرفته است.
 - آیات خلقت انسان از خاک یا آب، هم با خلقت دفعی (ناگهانی) و هم با خلقت تدریجی (طی میلیون‌ها سال) سازگار است.
 - داستان آدم و حوا: «باغ» آدم، بهشت ابدی اخروی نبوده (چون شیطان در آن راه یافته و آدم اخراج شده)، بلکه باغی در زمین یا مرحله‌ای خاص بوده است؛ بنابراین هبوط آدم منافاتی با تکامل جسمانی ندارد.

درس هفتم: صفات خداوند

- تفاوت بنیادین: خدا به عنوان طراح سیستم، نباید ویژگی‌های سیستم (محدودیت و نیاز) را داشته باشد. اگر خدا محدود باشد، خودش نیازمند طراح می‌شود.
- شناخت صفات:
 - نظریه «تعطیل» (غیرقابل شناخت بودن) و «تشبیه» (شبیه انسان بودن) باطل است.
 - نظریه اثبات: عقل می‌تواند صفات خدا را بشناسد (مثل علم و قدرت)، اما نمی‌تواند به گونه ذات نامحدود او دست یابد (مانند مفهوم بی‌نهایت در ریاضی که قابل محاسبه است اما قابل تصور حسی نیست).

درس هشتم: چگونگی آفرینش (رابطه خدا و جهان)

- هستی‌بخشی دائم: خدا مانند ساعت ساز نیست که جهان را بسازد و رها کند؛ بلکه مانند مولد برق برای لامپ است. موجودات در هر لحظه وجود جدیدی می‌گیرند و دائماً به خدا نیازمندند.
- قانون هستی‌بخشی: خداوند در هر لحظه با محاسبه‌ی «تمام عوامل تأثیرگذار» (مادی، معنوی، طبیعی و رفتاری)، وجود مناسب آن لحظه را اضافه می‌کند.

درس نهم و دهم: مسئله شرور (بدی‌ها)

- عدم خلق شر: خداوند شر و بدی را نیافریده است (بدی وجودی نیست). بدی‌ها ناشی از ۱. محدودیت و تراحم عالم مادی و ۲. سوءاستفاده از اختیار انسان است.
- حکمت و عدالت:
 - بلاها کارکردهای مثبت دارند: شکوفایی استعداد، آزمایش، پاک‌کننده گناهان و بیداری از غفلت.
 - خداوند عادل است زیرا بر اساس برآیند «همه عوامل» (نه فقط رفتار شخص) حوادث را رقم می‌زند. هر حادثه نتیجه مجموعه‌ای از علل است و لزوماً به معنای تنبیه یا پاداش مستقیم نیست.

- مرگ: مرگ شر نیست، بلکه انتقال به جهان وسیع‌تر و رهایی از محدودیت‌های ماده است.

درس یازدهم: علم خدا و اختیار انسان

- علم الهی و اختیار: علم خدا به آینده، علت اجبار ما نیست. خدا می‌داند که ما «با اختیار خود» چه خواهیم کرد (مانند معلمی که می‌داند دانش‌آموز درس‌نخوان مردود می‌شود، اما علم معلم علت مردودی نیست).

- سرنوشت: ثبت علم خدا نسبت به انتخاب‌هایی است که انسان با اختیار خود در آینده رقم می‌زند.

بخش دوم: فرجام‌شناسی (معاد)

درس دوازدهم: زندگی ابدی

- ضرورت معاد: اگر زندگی با مرگ پایان یابد، آفرینش بیهوده (لغو) است. حکمت خدا اقتضا می‌کند که زندگی ادامه داشته باشد.
- ماهیت مرگ: مرگ نابودی نیست، بلکه «تغییر محیط» و کنار رفتن پرده‌هاست (شبیه تولد نوزاد از رحم به دنیای بزرگتر).
- مراحل زندگی: ۱. دنیا ۲. برزخ (با بدن مثالی) ۳. قیامت (با بدن جسمانی و روح).
- معیار محاسبه اعمال:
- اصل: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا». سنجش بر اساس نسبت «داشته‌ها» (امکانات، وراثت، محیط) به «آورده‌ها» (عملکرد) است.
- بهشت لزوماً مخصوص مسلمانان شناسنامه‌ای نیست؛ هر کس بر اساس حقیقت‌جویی و امکاناتش نیکی کرده باشد، پاداش می‌گیرد.
- ویژگی بهشت: اراده انسان در بهشت نافذ است («لهم ما یشاؤون»). هرچه بخواهند خلق می‌شود، لذا تکرار و ملال وجود ندارد.

درس سیزدهم: تناسخ

- تعریف: بازگشت روح پس از مرگ به دنیا در کالبد موجودی دیگر (انسان، حیوان یا گیاه).
- دیدگاه اسلام: تناسخ باطل است. قرآن می‌فرماید پس از مرگ «برزخ» است تا روز قیامت و بازگشتی به دنیا نیست.
- دلایل رد تناسخ:

- بی‌عدالتی: اگر کسی در زندگی جدید مجازات زندگی قبل را می‌کشد اما هیچ خاطره‌ای از گناهش ندارد، این ظلم است.
- مشکل جمعیت: جمعیت جهان رو به افزایش است؛ اگر تعداد ارواح ثابت است و می‌چرخد، ارواح جدید از کجا می‌آیند؟
- خاطرات زندگی گذشته: توجیهات علمی دارد (تلقین، خطای حافظه، ژنتیک) و دلیل بر تناسخ نیست.

مشروح درس ها :

متن زیر نسخه ویرایش شده جزوه است که طبق خواسته شما موارد زیر از آن حذف شده‌اند:

۱. تصویر بسم‌الله و صفحه عنوان

۲. فهرست مطالب

۳. بخش‌های «خلاصه» در پایان هر درس

۴. داستان‌ها و خاطرات تجارب نزدیک به مرگ (به‌ویژه بخش مربوط به تجربه آن خانم در بیمارستان در درس (۱۲)

۵. فهرست منابع انتهایی

متن باقی‌مانده شامل محتوای آموزشی دروس است:

بخش اول: خداشناسی

درس اول: پرسش‌های بنیادین

هدف درس

نقد این تصور که خدا یک احساس شخصی یا نوعی انرژی است.

نقد و بررسی اعتقاد به خدا که بنیان آن احساس یا نظم جهان است.

تشویق به مطالعه سخن کسانی که وجود خدا را باور ندارند.

بیان لزوم تحقیق درباره خدا و اصول اعتقادات از نظر اسلام.

تبیین نگاه اسلام درباره انتخاب و تبلیغ دین و گفتگوی دینی.

درس اندیشه اسلامی ۱ درباره اصول اعتقادات است. اصول اعتقادات یعنی عقایدی که بنیادین هستند. نوع تفکر ما درباره مبدأ و مقصد این جهان مدل زندگی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نوع نگاه به جهان از دید انسان معتقد به آفریدگار با فردی که این اعتقاد را ندارد متفاوت است. همچنین او از قوانینی پیروی می‌کند که با قوانین کسانی که به خدا باور ندارند تفاوت جدی دارد. با توجه به تأثیر خداآوری در زندگی لازم است حداقل یک بار به طور جدی درباره آن تحقیق کنیم. هدف ما در این درس این است که به شما برای انجام این تحقیق، کمک کنیم.

سخن را با چند پرسش درباره خدا شروع می‌کنیم:

پرسش اول: آیا تا به حال درباره خدا فکر کرده‌اید؟

اگر جواب شما به این پرسش مثبت است بگویید خدا از نظر شما چگونه موجودی است؟

گاه دیده می‌شود که یکی از دو پاسخ زیر به این پرسش داده می‌شود:

۱. ما خدا را یک احساس شخصی می‌دانیم که هر کس تصویری از آن دارد و به همان معتقد است.

۲. خدا یک انرژی است.

ایراد پاسخ اول این است که یک احساس نمی‌تواند مبنای زندگی قرار بگیرد. علاوه بر این، وقتی پای احساس به میان آمد سلیقه هم خودش را نشان می‌دهد. در این صورت هیچ ضابطه و قانونی نمی‌تواند حکم‌فرما باشد.

اشکال پاسخ دوم این است که انرژی یکی از اجزای عالم است؛ چگونه ممکن است که یکی از اجزا را مبدأ همه عالم بدانیم؟ در ضمن شما یا باید خدا را یک انرژی بدانید یا برای او شعور، هدف و سایر ویژگی‌هایی را که مسلمانان برای خدا معتقدند قائل باشید؛ چرا که انرژی جاندار نیست.

پرسش دوم: آیا به خدا اعتقاد دارید؟

کسانی که جواب مثبت می‌دهند لطفاً دلیل‌شان را بگویند. گروه دوم گاه یکی از دو دلیل زیر را برای اعتقاد‌شان ذکر می‌کنند:

۱. من خدا را احساس می‌کنم و همین دلیل برای اعتقاد به خدا است.

۲. نظم موجود در عالم دلیل ما برای وجود خداوند است.

اشکال پاسخ اول: احساس، لزوماً منشأ بیرونی ندارد. شاید به خاطر تلقین، ترس یا ندانستن دلیل خیلی از اتفاقات، بشر آرام آرام موجودی به نام خدا را برای خودش درست کرده و در یک بازه زمانی اعتقادش به یک احساس درونی تبدیل شده است.

اشکال دلیل نظم هم این است که این همه اتفاق ناگهانی که باعث مرگ دسته جمعی عده زیادی از انسان‌ها می‌شود دلیلی بر بی‌نظمی نیست؟

پرسش سوم: آیا حرف کسانی را شنیده‌اید که خدا را باور ندارند؟

به نظر می‌رسد این کار لازم باشد؛ چرا که وقتی می‌گویید خدا هست زمانی می‌توانید از درستی سخنان مطمئن باشید که دلایل طرف مقابل را شنیده و بررسی کرده باشید. شاید پس از تحلیل سخنان آنها به این نتیجه برسید که حرف‌هایشان درست است. امروزه در میان دانشمندان علوم مختلف افرادی هستند که خدا باور نیستند یا او را انکار می‌کنند. با توجه به این که آنها سال‌ها با زمینه‌ای از علم در ارتباط بوده و یاد گرفته‌اند حرف بی‌پایه نگویند طبیعی است که دلایلی عقل‌پسند برای موضعشان درباره خدا داشته باشند. پیشنهاد می‌کنم که سخنان را بشنوید و دلایل آنها را بررسی کنید؛ اگر درست بود بپذیرید و اگر نه بر اعتقاد خود باقی بمانید. به هر حال کسی که جویای حقیقت باشد چنین عمل می‌کند. بستن چشم و گوش و نشنیدن و ندیدن نظرات مخالفان، کار درستی نیست.

پرسش چهارم: آیا می‌دانید برای کسی که می‌خواهد اسلام را بپذیرد لازم است ابتدا درباره خدا تحقیق کند؟

تعداد زیادی از کسانی که در خانواده‌های مسلمان به دنیا آمده و زندگی می‌کنند به پیروی از خانواده مسلمان شده‌اند. حال این که خدا خودش در کتاب آسمانی این روش را نمی‌پسندد و عملکرد افرادی را که به پیروی از پدران و اجدادشان معتقد شده‌اند ناپسند می‌شمارد. در ابتدای رساله‌های عملیه همواره نوشته شده که در اعتقادات باید با فکر و تحقیق و جستجو به نتیجه رسید. پس باید تحقیق کرد؛ این را هم عقل می‌گوید، هم شرعی که بدان معتقدید.

ممکن است بگویید ما برای انتخاب دین آزاد نیستیم؛ برای این که اگر دینمان را عوض کنیم به عنوان مرتد با ما برخورد می‌شود. جواب این است که در قرآن گفته شده که دین اجباری نیست «لا اکراه فی الدین». اگر حکمی در مجموعه دین مغایر با این آیه باشد باید با توجه به همین آیه دیده شود.

از طرفی زمانی حاکم می‌تواند درباره‌ی فردی که از دین خارج شده حکم مرتد را اجرا کند که علم قطعی به ارتداد او پیدا کرده باشد یا حداقل چهار نفر علیه او با شرایطی شهادت دهند. اینها در حالیست که هیچ‌کدام از افراد جامعه حق جستجوگری نسبت به عقاید و سایر امور شخصی دیگران را ندارند. با توجه به این جهات متوجه می‌شویم که این حکم ربطی به انتخاب دین ندارد؛ احکام ارتداد مربوط به تبلیغ دین است. انتخاب دین یک موضوع شخصی است ولی گاه فردی بعد از انتخاب دین جدید درباره آن کتاب می‌نویسد، در رسانه درباره‌اش صحبت می‌کند و افکار عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ حکم ارتداد برای جلوگیری از این کار است.

ممکن است بگویید که این کار با آزادی منافات دارد. جواب این است که آزادی مطلق در هیچ جامعه‌ای وجود ندارد. در جوامع بشری این موضوع پذیرفته شده است که برای بعضی اصول یا موضوعات خط قرمزهایی تعیین شود و اجازه تبلیغ درباره آنها نباشد. اسلام هم طبق همین روش عقلایی بنیان خودش را موضوعی دانسته که نباید علیه آن تبلیغ کرد. این کار باعث می‌شود آرامش فضای اعتقادی و دینی حفظ شود.

اشکال دیگر این است که با این توضیحات نمی‌توان درباره ادیان دیگر سخن گفت و آزادی فکری جامعه سلب می‌شود. جواب این است که بین گفتگو و تبلیغ، تفاوت زیادی هست. قرآن درباره گفتگو دستورالعملی دارد که بر اساس آن باید صاحبان ادیان مختلف این امکان را داشته باشند که با حفظ دوستی و رعایت احترام و اصول گفتگوی علمی با یکدیگر به تبادل افکار بپردازند. این مطلب در آیه ۱۲۵ سوره نحل تصریح شده است: «و جادلهم بالتی هی احسن» (با آنان به شیوه‌ای که نیکوتر است مجادله نما). پس قرآن در عین حال که تبلیغ را محدود کرده تشویق به گفتگو می‌کند.

درس دوم: اندیشه بی‌نیازی جهان از خدا

هدف درس

در این درس با اندیشه‌ای آشنا می‌شویم که می‌خواهد وجود جهان را بدون پذیرش موجودی به نام «خدا» توضیح دهد. در این درس و درس آینده با دلایل کسانی که وجود خدا را باور ندارند، آشنا می‌شویم. امروزه بیشتر مطالبی که درباره انکار خدا مطرح می‌شود با توجه به قوانین فیزیک مدرن و نظریه تکامل است.

استیون هاوکنینگ

هاوکنینگ معتقد است که با دیکتاتوری الهی مشکل دارد. منظورش این است که نمی‌خواهد هیچ اعتقادی جلوی پرسشگری او را بگیرد. در واقع او نگران است که با پذیرش دین از پرسش و پژوهش در برخی زمینه‌ها مانند چگونگی شکل‌گیری جهان باز بماند.

منظور هاوکینگ این است که به عنوان یک پژوهشگر نمی‌خواهد پیش‌فرض‌هایی داشته باشد که در صورت مغایرت آنها با یافته‌های علمی دچار مشکل شود. در واقع می‌خواهد خودش کشف پاسخ‌ها باشد.

تغییر نظریه

در تز دکترای هاوکینگ تکینگی اجتناب‌ناپذیر بود (جهان با یک تکینگی آغاز می‌شود). حال این که در حالت تکینگی قوانین ناسازگارند؛ زیرا بی‌نهایت جرم در حجمی به اندازه صفر جای گرفته است. در نتیجه باید مدل اصلاح شود. او بعدها برای اصلاح این مدل اثرات کوانتومی را وارد کرد و با تلفیق کوانتوم و نسبیت ضرورت تکینگی را از تئوری خودش حذف کرد. به این معنا که گفت: وقتی در زمان به عقب بر می‌گردیم به یک نقطه آغاز یا به تعبیری به یک لبه نمی‌رسیم که بعد از آنی وجود نداشته باشد، بلکه ابتدای زمانی جهان مانند قطب یک کره است که می‌توان به آن جا رسید و برگشت.

رابطه بین نگاه مسیحی و نظریات هاوکینگ

اگر برای جهان آغازی قائل بودید پس می‌توانید به آفرینش و خدا معتقد باشید؛ چرا که او آغازگر جهان است. اگر گفتید جهان آغازی ندارد دیگر نیازی به آغازگر (خدا) نیست.

هاوکینگ معتقد است که فقط باید پرسشگر بود و هیچ تقید اعتقادی در پرسیدن و پاسخ‌ها نباید داشت. در ضمن می‌گوید: «معادلات فیزیک روند شکل‌گیری جهان را توصیف می‌کند.» در نتیجه در نظر گرفتن موجودی ماورایی و دستی غیبی برای درست شدن جهان هیچ اثری ندارد.

دلیل هاوکینگ برای اعتقاد نداشتن به خدا می‌تواند این باشد:

مقدمه ۱: خدا آغازگر جهان است.

مقدمه ۲: جهان آغاز زمانی ندارد (نظریه بدون مرز).

مقدمه ۳: هر چیزی که آغاز نداشته باشد به آغازگر نیازی ندارد.

نتیجه: جهان به خدا نیاز ندارد.

درس سوم: اندیشه انکار خدا

هدف درس

در این درس با اندیشه‌ای آشنا می‌شویم که وجود خداوند را انکار می‌کند.

لاورنس کراوس

لاورنس کراوس معتقد است خدا وجود ندارد. او آغازی خاص برای جهان بیان می‌کند؛ شروعی از یک فضای خالی که آن را «هیچ» می‌نامد. در ضمن اشکالاتی را متوجه دین می‌داند:

۱. مذهب با علم مخالف است، برخلاف نظر دانشمندان که ندانستن را دوست دارند.

۲. جهان در حال انبساط است و مذهب به اشتباه انسان را در مرکز عالم می‌پندارد.

۳. مذهبی‌ها به اشتباه از بیگ بنگ برای اثبات نیاز به آغازگر (خدا) استفاده می‌کنند، در حالی که نظریه بیگ بنگ توضیح می‌دهد جهان چگونه خودش شکل گرفته است.

آغاز سخن کراوس درباره چگونگی درست شدن جهان

ما از انفجار ستاره‌ها و تکامل شکل گرفته‌ایم نه این که خدا ما را ساخته باشد. نتیجه: اگر فقط یک اتم هیدروژن به وجود بیاید مجموعه هستی درست می‌شود. آیا ممکن است این اتم هیدروژن خود به خود از هیچ به وجود بیاید؟

در واقع آن جا که ما فکر می‌کنیم هیچ چیزی وجود ندارد دائماً ذرات مجازی دارند به هستی می‌آیند و دوباره نیست می‌شوند. کافی است در یکی از این موارد یک ذره مجازی که به هستی پا می‌گذارد به پایداری برسد. آن وقت است که بر اساس قوانین فیزیک اتم هیدروژن و به دنبالش جهان شکل می‌گیرد. وقتی جهان درست شد حیات از ترکیب عناصر موجود شکل می‌گیرد و با تکامل آرام آرام به وضعیت موجود می‌رسد. در هیچ جای این روند موجودی ماورایی برای درست شدن این جهان نه مورد نیاز است و نه دیده می‌شود.

طرح ریچارد داوکینز برای انکار خدا

همین که حیات شکل گرفت تکامل داروینی سرخوشانه ادامه می‌یابد اما حیات ابتدا چگونه شکل گرفته است؟ شکل‌گیری حیات حاصل یک رخداد یا یک رشته رخداد شیمیایی بوده است که در اثر آن شرایط حیاتی انتخاب طبیعی پدید آمده است.

داوکینز برای توجیه احتمالات بسیار پایین شکل‌گیری حیات، «معجزه اعداد بزرگ» را مطرح می‌کند. او می‌گوید با توجه به میلیاردها میلیارد ستاره در جهان، حتی اگر احتمال ایجاد حیات بسیار ناچیز باشد، باز هم احتمال وقوع آن وجود دارد.

درس چهارم: یک سیستم بدون کنترل و شعور درست نمی‌شود

هدف درس

بیان این مطلب عقلایی است که بدون وجود یک مهندس طراح و کنترل کننده هیچ مجموعه‌ای که کار سیستمی انجام دهد درست نمی‌شود.

اگر به صورت رندم یک عدد بین ۰ تا ۹ را برداریم؛ احتمال این که عدد منتخب شماره ۱ باشد $1/10$ است. حالا اگر بخواهیم ده عدد پشت سر هم از ۰ تا ۹ به ترتیب بالا بیاید احتمال آن بسیار ناچیز است (یک بر ده میلیارد).

هر قدر این مجموعه پیچیده‌تر و گسترده‌تر باشد این احتمال به صفر نزدیک‌تر می‌شود، تا جایی که هر عاقلی می‌گوید چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد.

جمع‌بندی

انسان‌های عاقل می‌گویند که هر مجموعه منظم و سیستماتیکی حتماً در سایه نظارت و کنترل موجودی با شعور شکل گرفته است. همان طور که ملاحظه شد تکیه گاه این سخن محاسبات ریاضی است. بنابراین کسی که ادعا می‌کند مجموعه این جهان بدون ناظر و مهندسی شکل گرفته باید دلیلی بیاورد که بتواند در مقابل این محاسبات ریاضی ایستادگی کند.

درس پنجم: انکار خدا دلیل می‌خواهد

هدف درس

معرفی خداوندی که آفریننده جهان است.

بازخوانی محاسبه احتمالات

بیت شعر «برگ درختان سبز در نظر هو شیار / هر ورقش دفتری است معرفت کردگار» ۴۸ حرف دارد. احتمال این که یک شخص نابینا و بی‌سواد با فشردن تصادفی دکمه‌های صفحه کلید آن را نوشته باشد عددی نجومی و نزدیک به صفر است.

حال کلمه‌های این جهان چه مقدار است؟ شکل‌گیری این مجموعه بی‌نهایت بزرگ و ارتباط سیستمی اجزای آن چگونه قابل فرض است؟ تعداد سلول‌های بدن انسان بیش از ۱۰۰ تریلیون است.

حتی در بی‌نهایت زمان و بی‌نهایت حادثه هم احتمال این که اجزای این جهان بدون دخالت و کنترل یک شعور و مهندسی فوق‌العاده وجود یابند و به یک ارتباط سیستمی مانا برسند غیر عقلایی است.

بیانی دیگر برای آن چه گفته شد

در جهانی زندگی می‌کنیم که موجوداتی غیر قابل شمارش در آن وجود دارند. این موجودات که هر کدام پیچیدگی فوق‌العاده‌ای دارند به هم پیوستگی و ارتباط سیستمی بسیار پیچیده‌تری با یکدیگر دارند.

دو راه برای شکل گرفتن این مجموعه قابل تصور است:

۱. دست یک طراح هوشمند و قدرتمند پشت پرده آن است.

۲. این مجموعه بدون وجود کنترل‌کننده خود به خود درست شده است.

با توجه به این که محاسبه احتمالات فرض دوم را رد می‌کند راهی جز پذیرش نظر اول و قبول وجود خداوند باقی نمی‌ماند.

برهان امکان و وجوب

این برهان را نخستین بار فیلسوفان مسلمان ارائه کردند.

• **وجوب:** وجود برای آن ضروری است و محال است که نباشد (واجب‌الوجود).

• **امکان:** وجود برای او ضروری نیست؛ هم می‌تواند باشد و هم نباشد (ممکن‌الوجود).

جهان ممکن‌الوجود است (وجودش ذاتی نیست). ممکن‌الوجود برای موجود شدن نیاز به علت دارد. این علت یا خودش واجب است (که مطلوب ثابت می‌شود) یا ممکن است. اگر علت هم ممکن باشد، باز نیاز به علت دارد. این سلسله یا باید به واجب‌الوجود ختم شود، یا دچار «دور» و «تسلسل» می‌شود.

• **دور:** وابستگی دو چیز به یکدیگر در تحقق (الف علت ب باشد و ب علت الف). دور باطل است چون لازمه‌اش این است که یک چیز علت خودش باشد.

• **تسلسل:** زنجیره بی‌پایان علت‌ها و معلول‌ها که به هیچ نقطه‌ای ختم نشود. تسلسل عقلاً محال است (مانند صف بی‌نهایت صفر که هرگز عدد ۱ نمی‌شوند).

بنابراین، جهان هستی (مجموعه ممکنات) نیازمند موجودی است که وجودش ذاتی باشد (واجب‌الوجود).

درس ششم: آموزه های دینی و فرضیه های موجود درباره جهان

هدف درس

در این درس توضیح خواهیم داد که آموزه های دینی با نظریه های علمی به ویژه نظریه تکامل، منافاتی ندارد. برای اعتقاد به وجود خدا فرقی نمی کند کدام یک از نظریات زیر را بپذیریم (آغاز داشتن یا نداشتن زمان، تکامل یا ثبات انواع). آیات قرآن منافاتی با هیچ یک از این نظریات ندارد.

آموزه های دینی و آغاز جهان

آیاتی مانند «خلق السماوات و الارض ... فی سته ایام» بر تدریجی بودن خلقت دلالت دارند. قرآن خداوند را آفریدگار جهان معرفی می کند اما این آیات امکان آفرینش جهان های دیگر یا خلقت تدریجی را نفی نمی کنند. نظریه هاو کینگ (نبود آغاز زمانی) با مفهوم خدا به عنوان هستی بخش دائمی منافاتی ندارد.

تقریر برهان علیت بر وجود خدا

جهان معلول است و هر معلولی نیازمند علت است.

ملاک احتیاج معلول به علت، ضعف وجودی (امکان) اوست.

آموزه های دینی و تکامل

قرآن کریم موضع رسمی و صریحی له یا علیه نظریه تکامل یا ثبات انواع ندارد.

۱. آیات خلقت از سان از خاک یا گل: هم با خلقت بلاوا سطره (آنی) سازگار است و هم با خلقت با وا سطره (طی فرآیند طولانی).

۲. داستان عیسی (ع) و تشبیه به آدم: وجه شباهت، خلقت از خاک و نداشتن پدر است، نه لزوماً رد تکامل.

۳. آیات خلقت از آب و مراحل خلقت: آیاتی که می گویند همه چیز از آب آفریده شده یا مراحل را طی کرده («طواراً») با تکامل سازگارترند.

داستان هبوط:

آیاتی که درباره سکونت آدم در بهشت و اخراج او هستند، نشان می‌دهند که آن «باغ» (جنت)، بهشت ابدی اخروی نبوده است (چون شیطان در آن راه یافته و آدم از آن اخراج شده). بنابراین هبوط آدم می‌تواند انتقال از یک مرحله یا مکان در همین زمین باشد و منافاتی با تکامل جسمانی ندارد.

نتیجه: قرآن شناسایی چگونگی آغاز حیات را به بشر واگذار کرده و هدفش بیان آموزه‌های هدایتی است.

درس هفتم: صفات خداوند

هدف درس

تبیین صفات خداوند و دلیل خاص بودن وجود او.

تفاوت خدا با سایر موجودات جهان چیست؟

مقدمه اول: ویژگی مشترک موجودات جهان، نیاز و محدودیت است.

مقدمه دوم: اگر خدا مانند سایر موجودات باشد او هم نیازمند طراح خواهد بود.

نتیجه: خدا نباید هیچ نیاز و محدودیتی داشته باشد.

امکان شناخت صفات خدا

۱. دیدگاه اهل تعطیل: می‌گویند عقل راهی به شناخت خدا ندارد و نباید درباره او صاف خدا اندیشید. (نقد: پس شناخت خدا و عبادت او چگونه ممکن است؟)

۲. دیدگاه اهل تشبیه: صفات خدا و انسان را یکی می‌دانند. (نقد: خدا محدود نیست).

۳. دیدگاه اثبات: عقل می‌تواند صفات خدا را بشناسد (مثل علم و قدرت) اما نمی‌تواند به گونه ذات نامحدود او دست یابد.

خدای بی‌نهایت چگونه قابل درک است؟

همان‌طور که در ریاضیات مفهوم «بی‌نهایت» را با محاسبه می‌پذیریم اما نمی‌توانیم آن را کاملاً تصور کنیم، صفات نامحدود خدا نیز با استدلال قابل اثبات و فهم هستند، هرچند برای ذهن محدود بشر قابل تصور کامل نباشند.

درس هشتم: چگونگی آفرینش جهان

هدف درس

بیان هستی‌بخشی دائمی و ابدی خدا به جهان و ملاک این هستی‌آفرینی.

رابطه‌ای در تمام لحظه‌ها

آیا خدا مانند ساعت‌ساز است؟ خیر. نقش خدا «هستی‌بخشی» دائمی است، مانند مولد برق برای لامپ.

موجودات در هر لحظه وجودی جدید دارند (حرکت جوهری) و در هر لحظه برای موجود بودن به خدا نیازمندند. اگر یک لحظه فیض قطع شود، جهان نابود می‌شود.

قانون هستی‌بخشی

خداوند در هر لحظه با محاسبه تمام عوامل تأثیرگذار (مادی، معنوی، طبیعی، رفتاری) هستی لحظه بعد را به موجودات می‌بخشد.

مثلاً در یک بیماری، یا تصادف، خداوند برآیند همه عوامل (ویروس، ایمنی بدن، دارو، دعا، صدقه و...) را محاسبه کرده و وجود مناسب آن لحظه را اضافه می‌کند.

درس نهم: مسأله شرور ۱

هدف درس

بیان چگونگی وقوع مصیبت‌ها و بلاها با وجود خداوند مهربان.

سؤال: اگر خدا مهربان است چرا شرور (زلزله، بیماری، مرگ) وجود دارد؟

پاسخ:

۱. بدی‌ها ناشی از محدودیت و تراحم عالم مادی و سوءاستفاده از اختیار انسان است.
۲. خدا شر را نیافریده است (بدی وجودی نیست). خدا دنیای مادی و انسان مختار را آفرید که هر دو خیرند. لازمه عالم مادی تراحم است و لازمه اختیار، امکان گناه.
۳. خداوند به خاطر حفظ نظم، به قانون علیت ملتزم است.

نگاهی دیگر به بلاها

اگر نگاه را از نمای نزدیک (رنج و درد) به نمای دور (هدف خلقت و جهان ابدی) تغییر دهیم، حکمت حوادث روشن می شود. مرگ پایان نیست، بلکه انتقال به جهان وسیع تر است. بلاها کارکردهایی مثل آزمایش، رشد، و بیداری از غفلت دارند.

درس دهم: مسأله شرور ۲

هدف درس

بیان وجودی نبودن شرور، حکمت و عدالت خداوند.

بدی‌های موجود آفریده نشده‌اند

بدی‌ها امور عدمی یا نسبی هستند. مثلاً در قتل: قدرت قاتل (خیر)، مقتول (خیر)، سلاح (خیر) است. نیت بد قاتل و سلب حیات (انتقال مقتول) رخ داده است. خدا «بدی» خلق نکرده است.

حتی شیطان هم موجودی بود که با اختیار خود راه شر را انتخاب کرد.

عدالت خدا و شر

آیا حوادث طبیعی (سیل، زلزله) بی‌عدالتی است؟ خیر. خداوند بر اساس «برآیند همه عوامل» (طبیعی و انسانی) حوادث را رقم می‌زند. هر حادثه نتیجه مجموعه‌ای از علل است.

رفتار انسان تنها «یکی» از عوامل است. پس نمی‌توان هر رنجی را مستقیماً مجازات گناه دانست (شاید عوامل طبیعی یا امتحان باشد).

نقش بدی‌ها در زندگی معنوی

۱. پاک‌کننده گناهان.

۲. وسیله آزمایش و رشد.

۳. وسیله بیداری و بازگشت به سوی خدا.

درس یازدهم: علم خداوند و اختیار انسان

هدف درس

تبیین سازگاری علم خداوند به آینده در ضمن اختیار آدمی.

سؤال: اگر خدا می‌داند من چه می‌کنم، پس من مجبورم؟

پاسخ: علم خدا به آینده، «علت» اجبار ما نیست. خدا می‌داند که ما «با اختیار خود» چه خواهیم کرد. (مانند معلمی که می‌داند دانش‌آموز تنبل مردود می‌شود؛ علم معلم علت مردودی نیست).

سرنوشت: عبارت است از علم خدا به آینده‌ای که ما با اختیار خود رقم می‌زنیم و او آن را ثبت کرده است.

بخش دوم: فرجام‌شناسی

درس دوازدهم: زندگی ابدی

هدف درس

ارائه تصویری روشن از مرگ و اتفاقاتی که در پی آن رخ می‌دهد.

ضرورت معاد

۱. جهان را خدای حکیم آفریده است.

۲. خدای حکیم کار لغو و بیهوده انجام نمی‌دهد.

۳. اگر زندگی با مرگ پایان پذیرد، لغو و بیهوده خواهد بود (به نتیجه نرسیدن استعدادها و عدالت).

نتیجه: زندگی باید ادامه داشته باشد.

به کجا می‌رویم؟

مرگ نابودی نیست، بلکه «تغییر محیط» و کنار رفتن پرده‌هاست («فکشفنا عنک غطاءک...»).

انسان در مسیر حیات سه مرحله دارد: ۱. دنیا ۲. برزخ (با بدن مثالی) ۳. قیامت (با بدن جسمانی و روح).

عوالم (دنیا، برزخ، قیامت) می‌توانند ابعاد مختلف یک جهان باشند که در هم تنیده‌اند.

ملاک محاسبه اعمال

اصل: «لا یكلف الله نفساً الا وسعها».

سنجش بر اساس نسبتِ «داشته‌ها» (امکانات، وراثت، محیط) به «آورده‌ها» (عملکرد) است.

بنابراین:

۱. اسلام دین حق است، اما اگر کسی دسترسی نداشت، بر اساس وسعش سنجیده می‌شود.

۲. بهشت لزوماً مخصوص مسلمانان شناسنامه‌ای نیست؛ هر کس بر اساس حقیقت‌جویی و امکاناتش نیکی کرده باشد پاداش می‌گیرد.

سراسر زندگی (ویژگی بهشت)

در بهشت «لهم ما یشاؤون» (هر چه بخواهند فراهم است). اراده انسان نافذ است و قدرت خلاقیت دارد، لذا تکرار و ملال در بهشت وجود ندارد.

درس سیزدهم: تناسخ

هدف درس

بیان ماهیت تناسخ و نظر اسلام.

تعریف: بازگشت روح پس از مرگ به دنیا در کالبد موجودی دیگر (انسان، حیوان، گیاه).

نظر اسلام: تناسخ باطل است.

قرآن می‌فرماید: «و من ورائهم برزخ الی یوم یبعثون» (پس از مرگ برزخ است تا قیامت). آیات متعددی بازگشت به دنیا را رد می‌کنند.

دلایل رد تناسخ:

۱. بی‌عدالتی: اگر کسی در زندگی جدید مجازات زندگی قبل را می‌کشد اما هیچ خاطره‌ای از گناهش ندارد، این ظلم است و فرصت جبران نیست. همچنین مشکل افزایش جمعیت (ارواح جدید از کجا می‌آیند اگر تعداد ثابت است و می‌چرخد؟).

۲. خاطرات زندگی گذشته: ادعای کسانی که زندگی قبل را به یاد دارند، دلیلی بر تناسخ نیست. این‌ها می‌توانند ناشی از تلقین، خطای حافظه، یا تأثیرات ژنتیک و عوامل ناشناخته باشد، نه بازگشت روح.

و توفیق از خداوند است.....